

نکته

همه نکته‌هایی که باید در مورد رانندگی در زمستان بدانید

■ رانندگی در فصل سرما دارای شرایط و ویژگی‌های خاص خود است. برای رانندگی در پاییز و زمستان باید قبل از نزول برف، سرما و گرفتار شدن در یخبندان به خصوص در جاده‌ها پیش‌بینی‌های لازم را اتخاذ کرد تا ضمن جلوگیری از بروز سوانح دلخراش از ماندن در سرما و یخبندان، مصون بود. راننده خوب پیوسته به عوامل و عناصر موثر در رانندگی مانند وضعیت خودرو و راه، شرایط محیط مثل هوا و نور لازم، تعداد وسایل نقلیه در حرکت و وضعیت روحی و جسمانی خود توجه می‌کند و مهم‌تر آنکه پیشگیری‌های منطقی و مناسبی را برای جلوگیری از بروز تصادف انجام می‌دهد و با سرعت مطمئن رانندگی می‌کند. برای جلوگیری از تصادفات، خطرات و مشکلات ناشی از سفرهای زمستانی و یخ و برف باید به نکات زیر توجه داشت:
۱) با سرعت کمتر از روزهای معمولی که جاده خشک است حرکت کرده و خودرو را در حرکت ثابت نگه دارید.

۲) در پیچ‌ها با دقت و به آرامی گردش کنید.
۳) از گردش و انحراف ناگهانی خودداری کرده و از ترمز کردن ناگهانی بپرهیزید.
۴) از فشار دادن روی پدال گاز یا برداشتن فشار از روی آن به طور ناگهانی خودداری کنید.
۵) از سرعت زیاد در راه‌های با دست‌انداز بپرهیزید.
۶) از رانندگی در لبه راه‌ما یا شانه‌های راه خودداری کنید

۷) در یک سطح لغزنده وقتی که سرعت دارید از تغییر وضعیت به دنده سنگین خودداری کنید.

نحوه انتخاب لاستیک در زمستان

یکی از مهم‌ترین موارد در سفرهای زمستانی انتخاب لاستیک مناسب است، چون یخ و برف باعث سر خوردن و موجب بروز مشکلاتی در رانندگی می‌شود، بنابراین برای ایجاد اصطکاک بیشتر باید از لاستیک‌های یخ‌شکن و اچ‌درشت استفاده کرد. با اینکه لاستیک‌های برفی به صورت‌های مختلفی عرضه شده اما همین که به زمین‌های یخبندان برسند مانند لاستیک‌های معمولی عمل می‌کنند بنابراین باید از لاستیک‌های میخ‌دار یا زنجیرچرخ استفاده کرد. لاستیک‌ها انواع بسیار دارند اما لاستیک‌های رادبال بهترین نوع لاستیک در تمام چهار فصل است و می‌توان آنها را در برف کم نیز مورد استفاده قرار داد.
هرگز لاستیک‌های معمولی و لاستیک‌های رادبال را با هم مورد استفاده قرار ندهید، چون واکنش هر کدام با دیگری متغیر بوده و سبب می‌شود در لحظات بحرانی کنترل فرمان به راحتی از دست راننده خارج شده و حادثه‌آفرین شوند.

ترمز در برف

ترمز کردن در یخ و برف کاملاً باید به صورت سبک انجام گیرد و راننده باید آنچنان ترمز کند که چرخ‌ها قفل نشوند چون قفل شدن چرخ‌ها نه تنها مسیر توقف را طولانی بلکه فرمان را نیز از کنترل خارج می‌کند. راننده خوب و محتاط معمولاً سه الی چهار برابر مسیری را که در مواقع عادی لازم است برای توقف در برف و یخ پیش‌بینی می‌کند. همچنین باید مقداری از ترمز خود را به راننده‌های مقابل و پشت سر معطوف کند زیرا امکان دارد که رانندگان دیگر، رعایت شرایط خاص را نکرده و وی را به مخاطره افکنند. اگر در اثر بی‌مالتی و اصطکاک کم جاده، در شرایط اقلیمی خاص کنترل خودرو از دست شما خارج شد، سعی کنید خونسردی خود را کاملاً حفظ کرده و بلافاصله پدال گاز را رها کنید و فرمان را در جهت مسیر سر خوردن نگه داشته که کمک بیشتری به چرخ‌های جلو بدهید تا به زمین بچسبد و به هیچ‌وجه ترمز نکند؛ زیرا اتومبیل بیش از حد از کنترل خارج می‌شود.

سر خوردن خودرو

اگرچه وضعیت خودرو و جاده در لغزیدن آن سهیم است ولی بدون تردید، عامل اصلی آن راننده است. در رانندگی سه نوع سر خوردن وجود دارد که به دلایل زیر اتفاق می‌افتد:

۱) سرعت بیش از حد خودرو و نامناسب بودن آن با وضعیت جاده و ترافیک
۲) شتاب زیاد (گاز دادن بیش از حد)، ترمز گرفتن و تیرویی که در پیچ‌های جاده به لاستیک تحمیل می‌شود.

۳) ترکیبی از دو حالت فوق

سر خوردن چرخ‌های عقب در اثر کاهش چسبندگی آنها اتفاق می‌افتد. این حالت معمولاً در نتیجه سرعت بیش از اندازه و نیروی سه پیچ‌ها اتفاق می‌افتد. ممکن است شتاب خودرو و نیروی بیش از معمول ترمز نیز به این حالت کمک کند. این نوع لغزیدن به آسانی تشخیص داده می‌شود. با کمی بی‌دقتی ممکن است خودرو هنگام پیچیدن کاملاً دور خود بچرخد.
برای از بین بردن عوامل لغزش خودرو باید پا را از روی پدال گاز و ترمز بردارد و حرکت خود را با فرمان هماهنگ کنید.

وقتی خودرو در جهت نادرست حرکت می‌کند، عکس‌العمل طبیعی شما باید این باشد که با استفاده از فرمان، آن را به مسیر صحیح برگردانید. سر خوردن چرخ‌های جلو نیز وقتی اتفاق می‌افتد که چسبندگی آنها کم شده باشند. در این حالت کنترل مستقیم خودرو از دست راننده خارج می‌شود. توصیه می‌شود فرمان را در جهت حرکت خودرو هدایت و سعی کنید که با تشخیص و با از بین بردن علت به مرور چرخ‌های خودرو را به صورت مستقیم برگردانید یا فشار روی پدال گاز و ترمز را کاهش دهید.

منبع:www.social.yjc.ir

بزرگ‌ترین سوپرمارکت فرهنگی در قلب تهران

جایی برای آرامش روح

ستاره جاوید

«فروشگاه مرکزی شهر کتاب» از معدود مکان‌های عام‌المنفعه‌ای است که به خوبی توانسته از حضور «چهره‌ها» برای تولید آگاهی در مردم عادی استفاده کند. برخلاف موارد بسیاری که از چهره‌ها استفاده ابزاری شده شهر کتاب از نوادر مکان‌هایی است که به شعور مخاطب احترام می‌گذارد و با انتخاب مناسب چهره‌های فرهنگی، هنری، ادبی و اندیشه می‌داند چه می‌کند و می‌داند به کجا می‌خواهد برود. حضور همین چهره‌های ماندگار است که موجب رخداد رویدادهای خیری متعددی در شهر کتاب شده.

فروشگاه مرکزی شهر کتاب وابسته به موسسه شهر کتاب - و نه شهرداری تهران- سوپرمارکتی فرهنگی است. سابقه فعالیت این موسسه به حدود یک دهه می‌رسد اما فعالیت در استاندارد یک فروشگاه مرکزی سر لوحه خود قرار داده، حاصل برآیند چندین سال تحقیق و پژوهش میدانی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای درجه یک دنیا و مشاهده‌های میدانی است. به گفته مدیریت داخلی فروشگاه مرکزی شهر کتاب: «تحقیقات مربوط به رانداندازی فروشگاه مرکزی از یک سال قبل از افتتاح آغاز شد و برای رعایت تمام استانداردهای مربوط به یک سوپرمارکت فرهنگی به نقاط مختلف دنیا سفر و فروشگاه‌های زنجیره‌ای سراسر دنیا را از نزدیک رصد کردم».

«موسسه شهر کتاب» ۶۰ شعبه دارد که ۴۰ شعبه آن در تهران و ۲۰ شعبه در کلاشهرهای دیگر دایر است و هر یک طبق استاندارد موسسه به فعالیت فرهنگی خود مشغول است.

کافه فروشگاه مرکزی شهر کتاب، شب چله، ساعت ۱۷

کافه دنج و چهارگوش شهر کتاب رویدادهای بسیاری را به خود دیده‌است. کاربرد این کافه دیگر از نام خود فراتر رفته و کم‌کم دارد تبدیل می‌شود به محلی برای تبادل فرهنگ و اندیشه؛ کافه‌ای که ساعت پنج‌عصر یعنی روزها پر می‌شود از مردمی که به هنر و ادبیات علاقه‌مند هستند امشب هم کافه پر از جمعیت شده. با اینکه امشب شب پلدست باز هم مردم حاضر در کافه ترجیح دادند با دانه‌های سرخ آثار آگاهی به استقبال بلنای امسال بروند. میهمان امشب شهر کتاب اسماعیل جنتی، شاعر، نویسنده و گوینده رادیوست. تقریباً حضور هفتادای یک میهمان شاخص و فرهیخته در اینجا، سیاست ثابت و کاربردی فروشگاه مرکزی شهر کتاب است. دعوت از کسانی که از لحاظ تصویری چهره معروفی محسوب نمی‌شوند اما نام‌شان بسیار شهره است از اهداف فروشگاه است. مژگان امجد مدیر داخلی فروشگاه مرکزی

برنامه‌های جنبی موسسه شهر کتاب را تشریح می‌کند: «این برنامه‌ها برای دو گروه سنی کودکان- نوجوانان و بزرگسالان برگزار می‌شود. برگزاری «قاشی و قصه‌گویی» مهم‌ترین برنامه برای قشر کودک و نوجوان است. در این برنامه شرایطی فراهم کردیم که بچه‌ها بیایند و قصه بشنوند. البته قصه‌گو تمام قصه را تعریف نمی‌کند، بخشی از آن را نگه می‌دارد و ما از کودکان می‌خواهیم به ابتکار خودشان قصه را تمام کنند. این بخش از کار جذابیت بالایی دارد چون فهمیدیم کودکان واقعاً تخیلی قوی دارند. برای بزرگسالان هم «دیدار با اهل قلم» جزو برنامه‌های ثابت و مداوم این فروشگاه است.»

فلاش یک: شب تاسوعا؛ پرده‌خوانی مرشد محسن میرزا

پرده‌خوانی مرشد محسن میرزاعلی هم در آستانه عاشورا و سالگرد تراژدی کربلا با استقبال زیادی مواجه شده. کسانی که نشسته‌اند همه از مردم عادی هستند. کسانی که با اتفاقی به فروشگاه آمده‌اند و با دیدن پوستر برنامه در کافه نشسته‌اند یا از طریق پیامک مطلع شده‌اند و برای حضور آمده‌اند، کسانی هستند که می‌خواهند عاشورا را به گونه‌ای دیگر پالس بدارند.

امجد درباره چرایی برگزاری این برنامه می‌گوید: «علاوه بر نشست‌های روتین شهر کتاب که تقریباً سعی می‌کنیم هفته‌ای یک نشست تخصصی برای مردم داشته باشیم، طرح فرهنگی دیگری هم داریم که به «برنامه‌های مناسبتی» معروف است. مثلاً به مناسبت «پایان سرایش شاهنامه»، برنامه «شاهنامه‌خوانی» داشتیم. در ماه رمضان «پرده‌خوانی» توسط مرشد سعیدی را داشتیم. وقتی

زادی انجام می‌شود. ما از بزرگسالان بازخوردهای خیلی خوبی دریافت کردیم و با توجه به اینکه در حوزه کودک و نوجوان هم از تاپ‌ترین چهره‌های ادبی و هنری دعوت می‌کنیم اما با استقبال چندانی از جانب نوجوانان مواجه نشدیم. جالب است بدانید که در برنامه نوجوانان هم این بزرگسالان هستند که شرکت می‌کنند در حالی که ما برای نوجوانان اطلاع‌رسانی می‌کنیم.»

او در پاسخ به اینکه چرا دارند این اتفاق می‌افتد؟ می‌گوید: «درباره چرایی این عدم استقبال حرف نمی‌زنم فقط تجربه‌ای را که خودمان داشتیم شرح می‌دهم. ما اینجا حتی برای نوجوانان فرم عضویت و نظرسنجی متفاوتی طراحی کردیم. اما نمی‌دانم چرا نوجوانان به هیچ یک از برنامه‌ها پاسخ ندادند. شاید دغدغه نوجوانان بازی‌های هیجان‌انگیز رایانه‌ای باشد تا نشستن پای صحت‌های هوشنگ مرادی‌کرمانی در کافه شهر کتاب. نمی‌دانم. ما همه با قصه‌های مجید کیف کردیم اما انگار نوجوانان این دوره جذب این چیزها نمی‌شوند. به همین دلیل است که برنامه‌های بخش

نوجوان ما از آن شور و حالی که بخش کودک و بخش بزرگسال برخوردار است بهره‌مند نشده‌است.» طبقه پایین فروشگاه مرکزی شهر کتاب اختصاص دارد به کودکان؛ فضایی شاد و کملاً کودکانه که با قصه‌های پر از کتاب‌های قصه و کتاب‌های نقاشی به استقبال کودکان می‌آید و آن‌ان را به سرزمین دانایی می‌برد. امجد می‌گوید: «از

مدارس با ما تماس می‌گیرند. مدیران مدارس علاقه‌مند هستند بچه‌های مدرسه را به اینجا بیاورند و به صورت گردش علمی روز متفاوتی را برای آنان فراهم کنند. بخش پایین که کودکانه است فضای است که تمام برنامه‌های فرهنگی کودکان آنجا برگزار می‌شود. حتی پیش آمده مهدکودک‌ها آمدند و روزی را اینجا سپری کردند. درباره مهدها آنان ما را پیدا کردند نه ما.»

کافه‌ای فراتر از کافه

فروشگاه مرکزی شهر کتاب در چند بخش طراحی شده است: بخش کتاب، کافه، سی‌دی، صنایع دستی، نوشت‌افزار، محصولات فرهنگی کودک و نوجوان و بخش آموزش. مدیر داخلی فروشگاه مرکزی درباره سایر خدمات اینجا می‌گوید: «در بخش کتاب قصد داریم تعداد بیشتری از عناوین مختلف داشته باشیم. اینجا مال همه مردم است نه برای قشر خاص. ما انتخاب مخاطب نداریم همه باید بتوانند وارد شوند و هر تقاضای فرهنگی دارند پاسخ بگیرند. کتاب‌ها تخصصی نیستند، عمومی هستند و سعی داریم برای تمام سلیقه‌ها کتاب عمومی



رایه و بیشتر تقاضای مردم را پوشش دهیم. در بخش موسیقی، موسیقی کپی‌شده نداریم، تمام سی‌دی‌ها اورژینال است. کافه فروشگاه را هم به امکانات ویزهای مجهز کردیم و مردم می‌توانند بدون اینکه پولی پرداخت کنند از اینترنت وایرلس آن استفاده کنند. ضمن اینکه تمام برنامه‌های فرهنگی هم در کافه برگزار می‌شود.

محیط اینجا خیلی آرامش‌بخش است، سعی کردیم فضایی باشد که اگر مردم می‌خواهند از تشنج و ترافیک شهری به فضایی آرام پناه ببرند اینجا را انتخاب کنند. ما شرایطی فراهم کردیم که حتی مردم بیایند و کتاب دلبخواشان را بدون اینکه بخردن اینجا بنشینند و مطالعه کنند. بارها شده آدم‌ها آمدند اینجا کتابی را خواندند و علامت گذاشتند و رفتند و فردا بازگشتند و اگر کتاب فروخته نشده باشد از ادامه دیدوز کتاب را مطالعه کردند. ما مانع این کار نمی‌شویم.»

اینجا عام‌المنفعه است

از امجد درباره مالکیت شهر کتاب می‌پرسم. می‌گوید: «بر خلاف تصور عموم اینجا به شهرداری تهران تعلق ندارد. فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر کتاب غیرانتفاعی و عام‌المنفعه هستند و پیشنهادهای فرهنگی خود را به نهادهای مختلف مردمی مثل شهرداری ارایه می‌دهند. شهرداری فضاهای شهری را در اختیار ما قرار می‌دهد مشروط بر اینکه فقط در قالب فضای فرهنگی اداره شود. بعد از واگذاری فضای شهری، شهر کتاب بدون آنکه بودجه‌ای دریافت کند خودش به صورت خودکفا موظف است هزینه‌هایش را تأمین کند بهتر است بدانید شهر کتاب تمام درآمدش را صرف نیازهای شعبه‌های جدید می‌کند. بر این باور هستیم اگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر کتاب حمایت مالی شوند مسلماً قوی‌تر عمل می‌کنند. با این حال ما راضی هستیم. کم‌کم داریم شناخته می‌شویم. بیان اینکه این حمایت مالی در چه فرم‌ای باشد تخصص من نیست.

چیدمان «وِترین» شهر کتاب یک شیوه بیان است
وترین متفاوت فروشگاه مرکزی شهر کتاب، از دیگر جاذبه‌های این فروشگاه است که بر ارزش خبری این مکان می‌افزاید. وترین این فروشگاه در مناسبت‌های متعدد ملی-مذهبی به شکل متفاوتی تزئین می‌شود. مدیریت این مرکز می‌گوید که وترین متناسب با مناسبت‌های مختلف و نه با فرمی که تکراری شده و کلیشه است و چشم را آن عادت کرده، چیده می‌شود. با وجود وقت‌گیر و پرهزینه بودن، ما می‌خواهیم مناسبت‌ها را با وترین به مردم معرفی کنیم. به نظر من احترام به مردم است. وترین برای ما شیوه بیان و مفهوم‌رسان است. یک نگاهی در چیدمان وترین‌هایمان قرار دادیم و در روزهای بدون مناسبت هم آن را با کتاب تزئین می‌کنیم. با اینکه کار پرهزینه‌ای است اما ما این شیوه بیان را رها نخواهیم کرد.»

نگاه

خانه‌های مقاوم در مقابل زلزله برای فقیرها

دکتر علی عسگری

■ تهیه مسکن برای اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر در کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده‌تر از آنچه تصور می‌شود، است. اگر ما بخواهیم تغییراتی اساسی و ماندگار ایجاد کنیم به گونه‌ای که خانوارهای کم‌درآمد و فقیر که بیشتر در معرض مخاطرات طبیعی هستند در مکانی ایمن‌تر زندگی کنند، نیازمند به کارگیری روش‌هایی پیچیده‌تر و چندسطحی هستیم که بتوانند مسایل فنی، آموزشی و فرهنگی را در نظر بگیرند. این خانه‌ها همان خانه‌هایی هستند که الزیبات هاسلر می‌سازد.

الزیبات هاسلر موسسه Build Change را در واکنش به خسارات و تلفات انسانی و مالی قابل اجتناب ناشی از خرابی ساختمان‌ها در اثر زلزله بنیان گذاشت. این موسسه، موسسه‌ای غیرانتفاعی است که هدفش بهبود ایمنی در روش‌های محلی و مرسوم ساختمان‌سازی در بین حفظ و تشویق جوامع برای ساختن ساختمان‌هایی که از نظر فرهنگی برایشان مناسب‌تر است، می‌باشد. تئوری زیربنایی این موسسه آن است که مسکن مقاوم در برابر زلزله فقط زمانی فراگیر می‌شود که تکنولوژی مناسب در سطح محلی در دسترس بوده و همگان با آن آشنا باشند و از نظر فرهنگی پذیرفته‌شده باشد. علاوه بر این هزینه ساخت هم باید قابل رقابت با شیوه‌های معمول باشد.

هاسلر می‌گوید: «ما با مردم در محل زندگی آنها روی شیوه‌های ساخت و ساز بهتر کار می‌کنیم.» موسسه او تاکنون به بیش از هزار معمار و کارگر ساختمانی و ده‌هزار و ۲۰۰ مالک ساختمان آموزش داده و با تعداد زیادی از مسوولان و کارشناسان همکاری کرده تا دستورالعمل‌هایی برای ساخت خانه‌های مقاوم در برابر زلزله و در عین حال در حد توان مالی مردم کم‌درآمد تهیه کنند. این گروه عمدتاً از چین، اندونزی و هائیتی فعال بوده است. موسسه یک پروژه‌آیند نوین شش مرحله‌ای را برای تشویق مردم به ساخت خانه‌های مقاوم در برابر زلزله دنبال می‌کند. این شش مرحله عبارتند از:

۱-**یادگیری:** اول باید فهمید که چرا برخی خانه‌ها فرو می‌ریزند و برخی برپا می‌مانند.

۲-**طراحی خانه‌های مقاوم در برابر زلزله:** باید فهمید که مردم چگونه می‌خواهند خانه‌های خود را بازسازی کنند و چه خانه‌هایی را مطلوب می‌دانند. ممکن است بهتر باشد که شیوه‌های مرسوم ساخت‌وساز با تغییرات جزئی به جای شیوه‌های کاملاً جدید مورد استفاده قرار گیرند. طراحی خانه‌های مقاوم در برابر زلزله باید با فرهنگ مردم سازگار باشد.

۳-**ظرفیت‌سازی محلی:** این‌س کار باید همراه با ظرفیت‌سازی محلی از طریق آموزش و تربیت معماران و مهندسان محلی صورت پذیرد. درگیر کردن مردم در فرآیند کار بسیار مهم است. مردم باید بدانند که چه می‌خواهند و چگونه باید به آن برسند.

۴-**تحریک تقاضاهای محلی:** چگونه می‌توان یک سرپرست خنلور روستایی کم‌درآمد را متقاعد کرد که خانه خود را مقاوم بسازد؟ طرح‌ها هم باید به گونه‌ای باشد که محصول آن قابل تأمین مالی و به سادگی قابل اجرا باشد.

۵-**تسهیل دسترسی به سرمایه:** قدم پنجم تسهیل کردن دسترسی این اقشار به منابع تأمین مالی است. در واقع این موسسه خودش منابع مالی در اختیار خانوارها قرار نمی‌دهد بلکه با سازمان‌های دیگر کار می‌کند تا منابع مالی لازم برای خانوارها را از آنها تهیه کند. بدون دسترسی به این منابع امیدی برای ساختن خانه‌های مقاوم‌تر وجود نخواهد داشت.

۶-**قدم ششم ارزیابی و اندازه‌گیری تغییرات قبل، حین و بعد از اجرای این اقدامات است:** اگرچه برخی از چالش‌های ساختن خانه‌های مقاوم در برابر زلزله فنی و مهندسی هستند ولی بسیاری دیگر از آنها فرهنگی و اقتصادی هستند.

هاسلر مساله ساخت‌وساز با بلوک سیمانی در هائیتی را به‌عنوان نمونه ذکر می‌کند. استفاده از بلوک‌های سیمانی در ساخت و ساز به‌عنوان یکی از عوامل اصلی مرگ و میر در زلزله هائیتی ذکر شده است. برخی از مسایل مربوط به بلوک‌های سیمانی جنبه فنی دارند ولی در اینجا مسایل مالی و اقتصادی نیز وجود دارند. به‌عنوان مثال بسیاری از تولیدکنندگان بلوک‌های سیمانی فاقد فضای کافی جهت نگهداری بلوک‌ها برای رسیدن به مرحله استفاده هستند بنابراین بلوک‌ها را قبل از آنکه آماده کنند، می‌فروشند. علاوه بر این برخی از تولیدکنندگان برای دست‌پختایی به نقدینگی و ادامه فعالیتشان مجبور به فروش زودتر از موعد بلوک‌ها می‌شوند. از آنجا که استفاده از این مواد با اقتصاد هائیتی گره خورده است، نمی‌توان آنها را به راحتی از فرآیند ساخت‌وساز کنار گذاشت. از طرف دیگر از آنجا که معماران و بناها عمدتاً تجربه کار با این مصالح را ندارند، به سمت استفاده از آن روی می‌آورند. بنابراین بهترین راه‌حل آن است که به مردم آموزش دهیم با همان که دارند، کار کنند. کار با مردم برای اعمال تغییراتی کوچک در شیوه معمول‌شان بسیار آسان‌تر از کار با آنها روی روش‌های کاملاً جدید است.